



سرشناسه: بابایی، احمد

عنوان و نام پدیدآور: زلالود/

مولف احمد بابایی.

مشخصات نشر: تهران، نشر جمهوری،

۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۳۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۳۰-۱۸-۱

وضعیت فهرست نویسی: فبیای مختصر

یادداشت: این مدرک در آدرس

<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

ماره کتابشناسی ملی: ۳۷۶۶۳۹۴

ناشر: جمهوری

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

قلمرو: ایران

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۳۰-۱۸-۱

چاپ: صحافی، منصوری

INS: IRAM: JOMHOORIBOOK

نشر جمهوری



ترمه: تهران، خیابان شهید فخری، خیابان شهدای ژاندارمری غربی

شماره ۸۸، تلفن: ۳۳۹۳۰۳۹۰

فروشگاه ۱: خیابان جمهوری مقابل خیابان صف، شماره ۲۳۰

تلفن: ۳۳۹۳۰۳۹۰

فروشگاه ۲: خیابان شریعتی، نرسیده به خیابان دستار، شماره ۱۴۸۵

تلفن: ۲۲۶۰۲۵۵۵

فهرست

- بی فایده ست هر چه بدوزم نگاه را/ ۹
- پُر کرد بسکه چشم رجاست بیم را/ ۱۱
- بس است آنچه دل از دست روزگار کشید/ ۱۳
- تو دست شسته ای... ای عشق! از ملال خودت/ ۱۵
- از تناقض های مادت گشته سرشاریم ما/ ۱۷
- ذم پر است چون حرمت از مثال ها/ ۲۰
- دلیم ریچپچه ی ابدانه شور افتاد/ ۲۳
- تابه دیوار زد بخیه، چو سوزیم کرد/ ۲۵
- در اذن دخول، آتش آب گرم، سر بود/ ۲۷
- نام تو معما شد و بایست حل شد/ ۲۹
- بی تویه بی تویی تب و بی تب هم موم/ ۳۱
- این بغض گلویی که چو شمشر، برنده ست/ ۳۲
- چشم تا کار کند در حرمت حق بین/ ۳۴
- زدم به نام شما قید اسم اعظم را/ ۳۷
- دست مرا گرفت ضریحش دعا گرفت/ ۳۹
- سجده ات کرده ام و هیئات که سر بردارم/ ۴۱
- شب اول، به دل خاک، شرابی بدهید/ ۴۳
- چون به کار آنیم یک روزی تو را شادیم ما/ ۴۵
- اگر قرار شود شعر تر شروع شود/ ۴۷
- این حرف ها حساب و کتابش به دست تو ست/ ۴۹
- آسان کند ابروی کجبت دادن جان را/ ۵۱
- گندم طلایی ام زیر داس نقره ای/ ۵۵
- ما سائلیم و نیست گدایی خیال او/ ۵۷
- یاد خواهد کرد از این گیسوان تاب دار/ ۶۰
- لبت به خاطره ای سرخ می بُرد ما را/ ۶۲
- دعا کنید که باران به ابر بر گردد/ ۶۴
- به یکی روز خدا... نافه ی آهو داده ست/ ۶۶

اگر که میل تو باشد ملال هم خوب است/ ۶۸
 مُرده ی گور دیده را مانم/ ۷۰
 لاله ی دلمرده ایم و داغ جان داریم ما/ ۷۲
 از قضا ای آنکه بسته راه تقدیر مرا/ ۷۴
 حرف در حرف خطاه آمده را می مانم/ ۷۶
 چگونه از دلت آمد دلی کباب دهی/ ۷۸
 سر رفته است حوصله ات از سراب ها/ ۸۰
 نایده ست گرچه به دنیا امید ما/ ۸۲
 آن شب که شعله در جگر آب می زدم/ ۸۴
 به روزی خون من بر نمی گردد/ ۸۶
 از همان روزی که طرح دنیا ریختند/ ۸۸
 موسم آگریه ای معجز نمی خورد/ ۹۰
 سن و سال تو نه زرد به این رفتن ها/ ۹۴
 کشیده سبک تهِ بر به گریه دگر/ ۹۶
 خواستم هر شب که گویم نندیشد/ ۹۸
 زلف دیوانگی ام باز پریشان شده است/ ۱۰۰
 مروه، آئینه ی ما بود و صفا آئینه.../ ۱۰۲
 اهل خرد، بدون امان روضه خوانده اند/ ۱۰۴
 نان گرم روضه را از شور می گیریم ما/ ۱۰۶
 دور و بر قنگاه... یادت کردیم/ ۱۱۰
 امشب گرو گرفته ای ابر سیاه را/ ۱۱۲
 گر دود آه شکوه به محشر بیاورد/ ۱۱۴
 هر شب که در توسل ما حرف ماهه نیست/ ۱۱۶
 چه لبی! جان که گفته اند این است/ ۱۱۸
 اهل دل با مژه ات صف شکنی می سازند/ ۱۲۰
 به شوق بوسه ز حلقوم آفتاب رود/ ۱۲۶
 نگویمت به دل خسته، جان بده پسر ما/ ۱۲۸
 مادر چقدر غم کشد از دست آب ها/ ۱۳۰
 شاید کمی از روضه خبر داشته باشی/ ۱۳۲
 تجربه کردیم شب ها را سحر زیباتر است/ ۱۳۴